



۲۰۱۳/۱۱/۰۱



عزیز کهگدای

## آشوب و خشونت ها در سرزمین فراغنه

مصر یکی از قدیمترین و پرجمعیت ترین کشورهای آفریقایی و شرق میانه است که حد اکثر جمعیت ۸۰ میلیونی (نفوس آن) در کنار دریای نیل زندگی می کنند. و قسمت عمده این کشور را بیابان ها تشکیل میدهد که جمعیت پراکنده در آن زندگی می کند. در ۱۹۲۲م احمد فواد یا فواد اول در مصر حکمروایی داشت، سال بعد قانون اساسی کشور نافذ گردید. بعد از مرگ وی در ۱۹۲۶م پسرش ملک فاروق ۱۶ ساله جانشین پدر شد، چون به سن قانونی نرسیده بود اداره امور مملکت به شورای نیابت سلطنت محول گردید.

در آغاز جنگ جهانی دوم و درگیر شدن تعداد زیادی از قوای متفقین بخصوص انگلستان در مصر و شکست اعراب در جنگ با اسرائیل، مردم مصر نسبت به پادشاه خود ملک فاروق دلسرد و بدبین شدند. این بدبینی با فساد در ادارات فاروق زمینه را برای کودتای آرام افسران ناراضی مصر آماده کرد.

مغز متفکر کودتا، جنرال عبدالناصر بود که از قبل نقشه کودتا را طرح کرده بود و بعداً جنرال نجیب از نظامیان جوان مصر را با خود همراه ساخت. سر انجام کودتا در زمستان ۱۹۵۲م به رهبری جنرال نجیب، ملک فاروق از سلطنت خلع و به خارج فرستاده شد و جنرال نجیب اولین رئیس انقلابی مصر گردید، او از قبول درجه بالاتر عسکری خوداری کرد. این عمل وی نشان دهنده آنست که قوای نظامی خواستار قدرت نیست. دیری نگذشت، در سال ۱۹۵۴م این جنرال متواضع که به حیث نخستین رئیس جمهور، خدماتی را انجام داد، توسط افسران جوانتر و تشنه قدرت برهبری جنرال جمال عبدالناصر برکنار شد. قبل از آنکه بار حکومت بدوش ناصر بیفتد او فرصت را غنیمت شمرده به تفکر پرداخت و در ۱۹۵۳ کتاب «فلسفه انقلاب» را بچاپ رسانید که می توان از خلال آن به عقاید ناصر پی برد، او خواستار اتحاد مسلمین در سراسر جهان بود. بعد از آن که ناصر به قدرت رسید (۱۹۵۶) دیداری از مسکو به عمل آورد و اعلامیه مشترک را با شوروی به امضاء رسانید و محمد حسنین هیکل دوست صمیمی ناصر و مدیر اخبار الاهرام را مامور ساخت که نتایج اعلامیه را به اطلاع همگان برساند، او پیشنهادهای مالی، اقتصادی و تخنیکی شوروی را با ساختمان بند دو طبقه اسوان در مدت ۴ سال توسط شوروی در اخبار خود نوشت.

در سال ۱۹۵۲م که حکومت انقلابی زمام امور را بدست گرفت، اقتصاد زراعتی مصر یکی از حاصل خیزترین اقتصاد جهان بود. محصول پنبه و غله مصر در جهان درجه اول بشمار می رفت ولی سال بسال در اثر ازدیاد نفوس، مقدار محصولات زراعتی پایین می آمد و جمعیت کثیر دهقانان به قدر کفایت چیزی برای امرار معاش به دست نمی آوردند؛ ناصر نمی توانست که بر آن غالب شود.



اصلاحات اراضی را که رژیم به اجراء درآورده بود، علاوه بر این که نتوانست برای دهقانان کاری را انجام دهد، سبب نابسامانی های زیادی در کشور شد. هر سال بر تعداد دهاقین بیکار افزوده می شد. گرچه اصلاحات اراضی مساویانه تقسیم و

د پانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

به صورت موثری زراعت شد ولی دردی را دوا نکرد، ناصر درصدد صنعتی کردن کشور و ساختمان بند اسوان برآمد و شورای دولتی به این نتیجه رسید که ناصر موقتاً از بدرشدن اوضاع اقتصادی جلوگیری کند . جمال عبدالناصر سیاست دوری از بلاک غرب و نزدیکی به « شوروی » را در پیش گرفت. شوروی تأمین اسلحه، مایحتاج نظامی و اقتصادی و ساختن بند اسوان را کمک کرد. در ۱۹۵۶م ناصر قرارداد تخلیه کانال سویز را با دولت انگلیس به امضاء رسانیده و آن را ملی اعلان کرد. به تعقیب این عمل، دولت اسرائیل قوای انگلیس و فرانسه قسمت اعظم صحرای سینا را اشغال و به سواحل مصر نزدیک شدند و شهرهای آنکشور را بمباران کردند. در این میان بولگانین صدراعظم شوروی التیماutom به انگلستان و فرانسه فرستاد که اگر از خاک مصر بیرون نروند، شهرهای لندن و پاریس را بمباران اتومی خواهد کرد. این اخطار شوروی ظاهراً کارگر افتاد و دولت های انگلستان و فرانسه غافلگیر شده به آتش بس موافقه کردند و قوای متجاوز سرزمین مصر را تخلیه کرد و نتیجه جنگ دوم اعراب و اسرائیل تا حدی به نفع جمال ناصر و حیثیت او در جهان عرب گردید. جمال عبدالناصر اتحادیه اعراب را اعلام، و ناسیونالیسم عرب را جاگزین آن کرد که بموجب آن اتحادیه مصر و سوریه را فراهم کرد.

در زمستان ۱۹۵۷م شکرى الفوتلى رئيس جمهور سوریه و جمال ناصر به تشکیل «جمهوریت متحد عربی» به موافقه رسیدند. هر دو کشور دارای بیرق واحد، پارلمان، کابینه و قوه عسکری واحد بوده، مرکز اداری مملکت ۶ ماه در قاهره و ۶ ماه دیگر سال در دمشق تعیین گردید. دیری نگذشت، کشور یمن نیز داوطلب شمول درین اتحادیه شد و ولیعهد یمن با جمال عبدالناصر ملاقات و طرفین به الحاق یمن بموافق رسیدند، باین ترتیب یمن سومین کشور جمهوری متحد عربی شد. ولی این اتحادیه عمر کوتاه داشته در ۱۹۶۱ منحل شد و از هم پاشید.

یکی از عوامل شروع جنگ سوم اعراب و اسرائیل « جنگ شش روزه » مسدود شدن خلیج عقبه توسط دولت مصر بود. به روز ۵ جون ۱۹۶۷م طیارات اسرائیلی حملات غافلگیرانه خود را علیه کشورهای عربی آغاز کردند. طیارات آنها در ارتفاع بسیار کم به سوی کشورهای عربی به حرکت درآمدند، علت پرواز کم ارتفاع این بود که راکت های ساخت شوروی که در اختیار دولت مصر قرار داده شده بود نمی توانستند در ارتفاع کم باعث نابودی طیارات ما فوق صوت گردند، از این رو طیارات اسرائیلی در مدت کوتاهی به بمبارد میدان های هوایی مصر، سوریه و اردن و عراق موفق شدند و در حدود ۴۰۰ طیاره دول عربی بکلی از بین رفتند و از طرفی اسرائیلی ها با قوای زمینی به صحرای سینا حمله نمودند، دولت مصر فاقد طیارات جنگی، نتوانست مانع پیشروی اسرائیل گردد.

شکست ناگهانی قوای مصر در پنج روز باعث شگفتگی جهانیان شد. روز ۹ جون ناصر استعفی داد و ذکریا محی الدین به جانشینی او موقتاً انتخاب گردید. چون مردم مصر از شایستگی و لیاقت ناصر واقف بودند، مجدداً او را به قبول ریاست جمهوری وادار ساختند. روز ۶ جون ناصر دریافت که جنگ را باخته بود به مالک حسن تیلفون کرد و تقصیر شکست را به « دخالت طیارات امریکایی و انگلیسی » وانمود کرد. این سبب شد که بسیاری کشورهای عربی روابط خود را با امریکا قطع کنند.

مارشال عامر که مسؤولیت شکست مصر به گردن او افتاده بود، متوجه وخامت اوضاع شده، سفیر شوروی را احضار نمود و از او خواست ترتیب آتش بس فوری را بدهد. کاسیگین به وسیله تیلفون با جانسن تماس و از وی خواست که نزد اسرائیلی ها وساطت کند. در سال ۱۹۷۰م ، جمال عبدالناصر دومین رئیس جمهور مصر، در اثر سکتة قلبی وفات کرد.

بعد از مرگ ناصر، محمد انورالسادات معاون وی برای یک دوره ۶ سال بریاست جمهوری مصر برگزیده شد. او بتدریج از موضع اصولی ناصر دور شد و راه انحراف و سازشکاری را در پیش گرفت و شکست سال ۱۹۶۷م دردل رهبران عرب جوانه می زد، از این رو سادات به تجهیز قواء و سازماندهی اردوی مصر پرداخت و با مطالعه اوضاع و احوال اسرائیل به نقاط ضعیف دشمن پی برد. در مدت ۶ سال سیل اسلحه بسوی شرق میانه از جانب دو ابر قدرت سرازیر گردید و عواید نفت صرف خرید اسلحه شد و روسها راکت های مدرن را در اختیار مصر و سوریه قرار دادند و از جانبی امریکایی ها اردوی اسرائیل را با پیشرفته ترین سلاح ها مجهز ساختند.

اسرائیلی ها در ضلع شرقی کانال سویز شروع به ساختن استحکامات مهمی بنام « باریو » کردند که ضخامت این خط دفاعی و دیوار صخره که ده متر بود، غیر قابل نفوذ به نظر می رسید. در اول اکتوبر ۱۹۷۳م قوای مصر بطور غافلگیرانه با ایجاد پلی از ترعه سویز گذشتند و صاعقه وار برسر اسرائیل تاختند وبا کشتن صدها قوای دشمن در مدت کوتاهی برآن استحکامات غیر قابل نفوذ دست یافتند، در اواخر اکتوبر سال مذکور با توافق سران مصر و اسرائیل آتش بس بین دو کشور اعلام شد. این جنگ که بنام «جنگ اکتوبر» یا «جنگ تشرین - خزان» یاد شد، بر حیثیت و اعتبار کشورهای عربی خصوصاً مصر افزود.

روز یاد شده، روز رخصتی عمومی در مصر است... ۸ سال بعد از جنگ ۱۹۶۷م، کانال سویز در ۱۹۷۵ دوباره باز شد. انورالسادات شیوه های خاصی برای محاسبات سیاسی داشت و رهنمایی های او در زمینه بسیار چشمگیر بود که در مدت کوتاهی مصر را به کشوری تبدیل کرد که دارای پیمان های مستحکم با امریکا بود. سادات که با سعودی ها روابط حسنه داشت، اندرز های سر بسته از آنها دریافت کرد مبنی بر اینکه چگونه نیروی اسرائیل را تحت فشار قرار دهد اما امریکایی ها تا زمانی که شوروی ها متخصصین و سلاحهای شان در مصر باشد، چندان امیدی به مصر نداشتند.

روش سیاسی سادات نگهداری اسرار بود و در موقع مناسب آنرا عملی می کرد. او سعی کرد بر مبنای جنگ ۱۹۶۷ سرزمین های اشغالی را آزاد کند و سپس به برقراری صلح عادلانه، به اساس قطعه نامه ۲۴۲ شورای امنیت، عمل کند، بنا بر آن برای رسیدن به مطلب، روس ها را از مصر اخراج کرد و بیشتر خود را به امریکا نزدیک ساخت، وی همچنان با همان سیاستی که در پیش گرفته بود، سعی کرد که برخلاف ناصر عمل کند، چنانچه ناصر که آداب مذهبی و اسلامی را بجا می آورد اما با دخالت مذهب در سیاست مقابله کرد، ازینرو اکثریت اعضای کابینه و شورای انقلابی او را افراد غیر مذهبی تشکیل می دادند و مخصوصاً با گروه اخوان المسلمین شدت عمل بخرچ داد.

ناصر پس از اینکه دوبار مورد سوء قصد قرار گرفت تعداد زیادی از آنها را زندانی کرد و سید قطب رهبر اخوان المسلمین را در ۱۹۵۶ حبس نمود و سپس بدار آویخت. همچنین محبوسین در محابس ناصر وضع خوبی نداشتند، اغلب مبارزین مسلمان شدیداً شکنجه میشدند، این روش غیرانسانی در زندانها بود که اعضای اخوان المسلمین از حالت میانه روی به خشونت روی آوردند. از جمله این گروه ها، گروه التکفیر والهجره بود که رئیس جمهور مصر را کشتند. این گروه های مذهبی با همه سرکوبی های ناصر از بین نرفته بلکه روز بروز قویتر شده و پیروان بیشتری در میان مردم بدست آوردند و معتقد بودند که مصر و سایر کشورهای اسلامی باید به اساس احکام اسلامی استوار بوده، سیاست های داخلی و خارجی شان مطابق به دستورات اسلامی اجرا شود.

در هر حال سادات باسناد نقشه هایی که در سیاست خارجی خود داشت ناچار از در آشتی و موافقت با گروه های الامی پیش آمد و سعی کرد تمام انقلابیون مسلمان را از حبس رها نماید و وانمود کند که نه تنها مخالف سیاست های رژیم گذشته بود بلکه حامی انقلابیون مسلمان است و با این ترتیب اکثر آنها از حبس رها شدند و آزادی شان موجب شور تازه ای در سیاست های داخلی مصر گردید.

بعد از شهادت انورالسادات در ۱۹۸۰م صوفی ابوطالب برای یک دوره موقت جانشین سادات شد. محمد حسنی مبارک پس از ترقی در قوای هوایی مصر به معاونیت رئیس جمهور مصر ارتقاء کرد و پس از ترور انورالسادات در ۱۹۸۱م بریاست جمهوری مصر رسید. وی تقریباً روش سادات را تعقیب و رشد اخوان المسلمین را سرکوب کرد تا آنکه در انقلاب ۲۰۱۱م حکومت ۳۰ ساله او پایان یافت و مجبور شد به استعفی تن دهد. پس از سقوط حکومت حسنی مبارک، محمد مُرسی رهبر حزب اخوان المسلمین در جریان انتخابات دیموکراتیک در ۲۰۱۲م به عنوان اولین رئیس جمهور غیر نظامی مصر انتخاب شد. در جولای ۲۰۱۳م مخالفان محمد مُرسی پس از روز ها تظاهرات اعتراض آمیز در جاده ها او را به استبداد متهم کردند و خواهان استعفا و وی شدند. قوای عسکری با کودتایی به ریاست جمهوری وی پایان داد و قانون اساسی را به تعلیق در آوردند، عدلی منصور حقوق دان و رئیس قضایی عالی را الی انتخابات به عنوان رئیس جمهور مصر، حاتم البیلاوی را صدراعظم و محمد البرداعی را معاون اول رئیس جمهور مؤقت تعیین نمودند.

#### افغانستان و مصر :

سید جمال الدین افغانی در سفر مصر به استقبال گرم مقامات دولتی و رجال آنکشور روبرو شد و محمد عبده مفتی اعظم مصر او را استاد خود می دانست. یکی از بزرگترین کارهای سید در مصر عبارت از عصری ساختن پروگرام تعلیمات جامع الازهر و دیگر تأسیس حزب الوطن بود که هر دو اساس ترقیات مصر می باشد و سید در تحولات سیاسی مصر نقش موثری داشت، از این رو نمایندگان خارجی که نفع خود را در مصر در خطر دیدند، سید را از مصر اخراج کردند.

اعلیحضرت امان الله خان و ملکه ثریا در ۱۳۰۶ش در ضمن سفر به کشورهای اروپایی ترکیه و روسیه به مصر



وارد و از طرف فواد اول پادشاه و دولت و اهالی مصر استقبال صمیمانه صورت گرفت بازدید شاه ۱۵ روز را در بر گرفت. بعد به تهران آمد و به دیدار رضا شاه رفت در یکی از مهمانی هایی که رضا شاه به افتخار اعلیحضرت امان الله خان در قصر گلستان ترتیب داده بود. اعلیحضرت امان الله خان در دهلیز قصر، سفیر مصر حسن نشات پاشا را دیده بعد از احوالپرسی از وی سؤال کرد: چرا شما برادران مصری بر خلاف نصیحتی که کردم هنوز هم فینه را بر سر می گذارید؟ (عمامه های سنتی ترکان عثمانی موسم به فینه است که در مصر رایج بود)، ملت مصر قومیت خود را با حفظ

آداب و رسوم پدران خود نگه میدارند و فینه شعار مسلمین نبوده و پیغمبر اسلام هم فینه بر سر نمی گذاشت؟

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولئ

مباحثات طولانی شد و همه انتظار اعلیحضرت را داشتند تا زودتر به اتاق نان تشریف ببرند. اعلیحضرت متوجه انتظار دیگران شده، در اخیر صحبت خود فرمودند: متأسفانه وقت بیشتر ندارم و فردا احمد شیر خان رئیس مجلس ملی را به ملاقات شما می فرستم که ادامه این مذاکرات را با شما دنبال کند.

سفیر مصر در یادداشت خود می نویسد: روز بعد، وزیر خارجه و رئیس مجلس ملی افغانستان برای صرف نهار به سفارت مصر در تهران دعوت شدند. برسر میز غذا سفیر مذکور راجع به فینه یاد آورشد، احمد شیرخان گفت: اعلیحضرت، شاه جوان است و مظاهر تمدن خارجی او را فریفته است و دست به اقداماتی زده است که تاج و تخت او را در معرض خطر قرار داده است به همین مناسبت بود که اعلیحضرت ملک فواد اول زمانی که امان الله خان در مصر بود او را به تنهایی به قصر عابدين دعوت نمود و برادرانه نصیحتش کرد که ازین گونه مظاهر گول نخورد و آنها را وسیله ترقی، تعالی و تمدن نداند و دایم سعی کند که ملت افغانستان علم و اخلاق متین خارجی ها را فرا گیرد، تا بتواند در راه ترقی پیش رود. ولی متأسفانه شاه جوان افغانستان به این نصایح گوش نداده، خود، تاج و تخت خود را در معرض خطر قرار داد.

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان و ملک فاروق پادشاه مصر در سنین جوانی وارث تاج و تخت شدند، باهم دوست و روابط خوبی داشتند. مناسبات سیاسی، فرهنگی و علمی بین دو کشور برقرار بود. در سفری که اعلیحضرت محمد ظاهرشاه به مصر داشت از طرف ملک فاروق استقبال و پذیرایی صمیمانه و شاندار شده بود. علایق این دو کشور مسلمان از بسیار پیش صمیمانه و نیک بود.

اخیراً محمد علی نواسه ملک فاروق، آخرین پادشاه مصر با پیغله «نوال» نواسه محمد ظاهرشاه، آخرین شاه افغانستان و دختر محمد داؤد پشتونیار پنجمین پسر محمد ظاهر شاه در ترکیه رسماً نامزد شدند و ازدواج کردند.



به راست نوال ظاهر همراه با فرح زن برادرش و نران ظاهر برادرش

در دوره صدارت سردار محمد داؤد در ضمن دیدار زعمای کشورهای دوست در ۲۹ اپریل ۱۹۵۵م جمال عبدالناصر زعيم مصر به کابل سفر نمود و مورد استقبال گرم دولت و ملت افغانستان قرار گرفت. در ۱۵ سپتمبر ۱۹۶۶م محمد هاشم میوندوال صدراعظم، سردار محمد داؤد اولین رئیس جمهور افغانستان و سایر زعماء، مامورین عالی رتبه، دانشمندان و علمای کشور به مصر مسافرت های رسمی و دوستانه انجام داده اند.

همچنین میرمن حسینه خوری شاعره و رئیسه جمعیت زنان مصر بعد از آنکه قصیده خود را به استقبال شاه امان الله و ملکه ثریا در اسکندریه هنگام مسافرت شان قرائت کرد از طرف ملکه ثریا به افغانستان دعوت شد که در جشن استقلال ۱۳۰۷ش بکابل آمده و در مراسم جشن اشتراک ورزید.

لازم به یادآوری است که حملات قوای خارجی بر مصر و کانال سوئز در ۱۹۵۲م مردم افغانستان در حالت فوق العاده هیجانی و عصبانیت بسر می بردند و پیوسته اخبار و وقایع مصر را از لابلای جراید و رادیو ها تعقیب می کردند و داوطلبانه می خواستند تا به کمک برادران مصری خود بشتابند.

(پایان)

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ